

پژوهشی پیرامون نخستین آیات نازل شده بر پیامبر

(تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۱)

دکتر سید محسن موسوی،* حجت علی نژاد**

چکیده

درباره نخستین آیات نازل بر پیامبر، آرای مختلفی وجود دارد؛ اما روایات درباره دو قول از این اقوال - آیات سوره حمد و آیات ابتدایی سوره علق - بیشتر است. بیشتر دلایل عالمان مسلمان در این موضوع، تنها به روایات متکی است و جنبه نقلی دارد. اما پرسش این است که آیا می‌توان از راه عقلی هم به اثبات این مطلب پرداخت؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این مسأله می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از این است که هرچند بر اساس ظاهر بعضی روایات، آیات نخستین سوره علق آغازین آیات نازل بر پیامبر است، اما چون در این آیات، جز فرمان خواندن وحی و اوصاف پروردگار، مطلب دیگری ملاحظه نمی‌شود، لذا نزول این آیات در آغاز بعثت چندان مقبول به نظر نمی‌رسد. آنچه از جمع‌بندی دلایل عقلی و نقلی به دست می‌آید این است که احتمالاً اولین آیات نازل شده بر پیامبر، آیات سوره حمد بوده است.

واژگان کلیدی: نخستین آیات، سوره حمد، سوره علق، سوره مدثر، آغاز وحی

مقدمه

مبنای اصلی عالمان مسلمان در شناسایی نخستین آیات نازل شده بر پیامبر، احادیث و روایاتی است که در این زمینه وارد شده است که این روایات، خالی از تعارض و ناهماهنگی نیز نیست. گروهی معتقدند که اولین آیات نازل شده، سه یا پنج آیه اول سوره علق بوده است و گروهی نیز نخستین آیات نازل شده را، آیات آغازین سوره مدثر می‌دانند. عده‌ای دیگر آیات سوره حمد را نخستین آیات نازل می‌دانند. برخی نیز در صدد جمع میان تعدادی از این اقوال برآمده و گفته‌اند: اولین آیات نازل شده، پنج آیه نخست سوره‌ی علق است و نخستین سوره کاملی که نزول یافته، سوره‌ی حمد

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران؛ sm.musavi55@gmail.com

** (نویسنده مسؤل) کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث؛ alinegad.hojjat@gmail.com

است. این تعارضات و اختلاف نظرها سبب پیدایش این پرسش می‌شود که نخستین آیات نازل شده بر پیامبر کدام آیات است و به چه دلیل این آیات را باید نخستین آیات نازل شده بر پیامبر قلمداد کرد؟ به بیان دیگر نخستین آیات نازل شده باید دارای چه شایستگی‌ها و ویژگی‌هایی باشند تا بتواند در طلیعه وحی نازل شوند. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی مناسب به پرسش‌های یادشده است.

بحث و بررسی

به طور کلی چهار دیدگاه درباره نخستین آیات نازل شده بر پیامبر وجود دارد که همه آنها متکی به دلایل نقلی و روایات است. اکنون این چهار دیدگاه به همراه نقد و بررسی هر یک از نظر می‌گذرد.

۱- نظریه نزول آیات اول سوره علق در طلیعه بعثت

۱-۱- روایات شیعه

بنا به برخی روایات شیعه، بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مقارن با نزول نخستین آیات سوره علق است. در حدیثی علی بن سرفی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که: «نخستین آیه‌ای که بر رسول خدا نازل گردید، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق/۱) بود.» (کلینی، ۱۴۱۱: ۲، ۶۲۸: ۲، ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲، ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۲، ۳۹) طبرسی در تفسیر سوره علق می‌نویسد: «بیشتر مفسران بر این عقیده‌اند که سوره علق نخستین سوره‌ای است که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل گردید و آن در زمانی بود که جبرئیل در غار حراء با آن حضرت دیدار کرد و پنج آیه نخست را بر پیامبر خواند.» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۰، ۷۸۰) برخی از روایات نیز بر بعثت پیامبر اسلام در غار حراء تاکید کرده‌اند، بدون آنکه از نزول آیات خاصی بر آن حضرت خبر دهند. معروف‌ترین این روایات گزارش علی (علیه السلام) درباره چگونگی بعثت است که در خطبه قاصعه منعکس شده است. (شریف رضی، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

در تفسیر قمی از قول ابوالجارود سخنی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «اولین سوره‌ای که نازل شد ﴿أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق/۱) بود، سپس جبرئیل در دیدار جدید با رسول الله تاخیر کرد. خدیجه گفت: شاید پروردگارت تو را ترک کرده و دیگر چیزی به سوی تو نمی‌فرستد؟ سپس خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى﴾ (ضحی/۳) یعنی پروردگارت هرگز تو

را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است.» (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۴۲۸)

همچنین علامه مجلسی در *حیة القلوب* می‌نویسد: «امام حسن عسکری می‌فرماید: چون چهل سال از عمر آن حضرت گذشت، حق تعالی دل او را بهترین دل‌ها و خاشع‌تر و مطیع‌تر و بزرگتر از همه دل‌ها یافت. پس جبرئیل فرود آمد و اطراف آسمان و زمین را فرا گرفت و بازوی آن حضرت را گرفت و حرکت داد و گفت: «یا محمد، بخوان.» گفت: «چه بخوانم؟» گفت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...﴾. پس وحی خدا را به او رسانید.» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۲، ۲۶۰) شواهد دیگری نیز در روایات وجود دارد که از نزول آیات ابتدایی سوره علق در آغاز بعثت حکایت دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸، ۲۰۶-۲۰۵) برخی از روایات نیز بر این نکته دلالت دارند که نخستین سوره‌های نازل شده، سوره حمد یا مدثر بوده که به عقیده صاحب‌نظران، این مطلب تناقضی با فرض نزول آیات سوره علق در آغاز بعثت ندارد. (معرفت، ۱۳۸۷: ۱، ۹۶) همچنین کلینی احادیثی از امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا (علیهم السلام) می‌آورد که آیات آغازین سوره علق را نخستین آیات نازل شده بر پیامبر ذکر کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۱۱: ۲، ۶۲۸)

۱-۲- روایات اهل سنت

بررسی روایات مربوط به نخستین آیات نازل شده در منابع اهل سنت نشان می‌دهد که محمد بن اسحاق (م ۱۵۱) با ذکر چند روایت تاریخی، حادثه بعثت و نزول نخستین پیام وحی را گزارش کرده است. این روایات از طریق ابن‌هشام در *السیرة النبویة* گزارش شده است. (ابن‌هشام، ۱۴۱۳: ۱، ۲۴۹-۲۷۷) ابن‌الدیم از روایانی چون واقدی، معمر بن راشد، زهری و محمد بن نعمان بن بشیر نقل کرده است که نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل گردید، پنج آیه ابتدایی سوره علق بوده است. (ابن‌الدیم، ۱۳۴۸: ۴۳) طبری می‌گوید: ضحاک به نقل از عبدالله بن عباس گفت: نخستین چیزی که جبرئیل بر محمد نازل کرد، این بود که گفت: "ای محمد بگو: استعید بالسمیع العلیم من الشیطان الرحیم." سپس گفت: "بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾. پس از آن گفت: "بخوان به نام پروردگارت که آفرید. عبدالله گفت: آن نخستین سوره‌ای بود که خدا آن را به زبان جبرئیل (علیه السلام) بر محمد (صلی الله علیه و آله) نازل کرد." (طبری، بی‌تا: ۱، ۷۷) در بین روایات اهل سنت، دو روایت از اهمیت بیشتری برخوردار است که یکی از آنها منقول از عایشه و دیگری از عبید بن عمیر لیثی است. در روایت منقول از عایشه که بخاری در صحیح و طبری در تاریخ خود آن را آورده‌اند، ماجرای نخستین نزول

وحی چنین نقل شده است: «در ابتدای امر، وحی به صورت رؤیای صادقه بر آن حضرت پدیدار می‌شد. این رؤیایها مانند سپیده‌دمان روشن بود. بعدها علاقه به تنهایی و خلوت‌گزینی در پیامبر به وجود آمد، از این رو به غار حراء می‌رفت و شب‌ها به عبادت مشغول می‌شد و هر چند روز یکبار به خانه سر می‌زد و پس از تهیه زاد و توشه دوباره به غار باز می‌گشت. روزگاری بدین منوال گذشت تا آنکه در غار حراء پیام حق در رسید به این صورت که فرشته وحی او را بر گرفت و به سختی فشار داد؛ به گونه‌ای که طاقش به انتها رسید و سپس گفت: "بخوان." گفت: "خواندن نمی‌توانم." او را برای بار دوم در بر گرفت و سپس رهایش کرد و گفت: "بخوان." بار دیگر آن حضرت پاسخ داد: "خواننده نیستم." برای سومین بار او را در بر گرفت و سپس رهایش ساخت و گفت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ (علق / ۱، ۲ و ۳) به هر جهت پیامبر خود را به خانه رساند و ماجرا را با خدیجه در میان گذاشت. خدیجه به او دلداری داد و سپس هر دو ورقه بن نوفل - پسر عموی خدیجه - رفتند. ورقه بشارت داد که همان موجودی که قبلاً بر موسی (علیه السلام) نازل شده بود، اینک بر محمد نازل شده است. «بخاری، بی‌تا: ۱، ۵۹-۶۰؛ طبری، بی‌تا: ۲، ۲۹۸) طبری اضافه می‌کند که پیامبر بعد از این ماجرا تصمیم گرفت که خود را از کوه پرت کند و به این وسیله آرامش خود را باز یابد که مجدداً صدای جبرئیل به گوش او رسید و وی را از این کار بازداشت. (طبری، بی‌تا: ۲، ۳۰۱)

۱-۳. نقد و بررسی روایات مربوط به این دیدگاه

معارف در بررسی سندی این روایات می‌نویسد: «روایات یادشده اغلب توسط یکی از این پنج نفر یعنی عایشه، عبد الله بن عباس، عروه بن زبیر، عبد الله بن شداد لیثی و عبید بن عمیر نقل شده است. از این عده هیچ‌کدام در زمان بعثت رسول خدا نبوده‌اند و در نتیجه نمی‌توانند شاهد واقعه بعثت باشند. عایشه و ابن عباس، گرچه در شمار صحابه بوده‌اند، اما در سال بعثت هنوز به دنیا نیامده بودند. ضمناً آنان ماجرای بعثت را نیز با استناد به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت نکرده‌اند. سایر راویان نیز در طبقه تابعیان بوده و بدون ذکر واسطه به نقل ماجرای بعثت اقدام کرده‌اند. با توجه به این مطلب و با اغماض از مشکلات دیگری که از جهت ضعف راویان در سند این روایات وجود دارد، این روایات جملگی مرسل بوده و حدیث مرسل از اقسام حدیث ضعیف به شمار می‌رود.» (معارف، ۱۳۸۳: ۴۳) وی در بررسی متن و محتوای این روایات نیز به

اختلافاتی اشاره می‌کند. به نظر وی، مشکلی که در روایات بعثت جلب نظر می‌کند، اختلافاتی است که در متن روایات وجود دارد. پاره‌ای از روایات از آرامش و طمأنینه رسول خدا به هنگام بعثت حکایت می‌کند، در صورتی که پاره‌ای دیگر از وجود شک و اضطراب در وجود پیامبر خبر می‌دهد؛ از جمله در این روایات آمده بود که رسول خدا ترسید که نکند او کاهن شده، یا نگران بود که جن یا شیطانی در او اثر گذاشته است از این رو تصمیم گرفت برای خلاص شدن از مشکلات، خود را از کوه پرت کند، اما خدیجه و ورقه بن نوفل به پیامبری حضرت گواهی دادند و تردید را از وی زدودند و مطالب دیگر که نسبت بسیاری از آنها به رسول خدا غیر قابل قبول است. (معارف، ۱۳۸۳: ۴۵)

علامه طباطبایی در نقدی که بر این روایات وارد کرده است، می‌نویسد: «طبق این روایات، پایه تشخیص نبوت رسول خدا، گواهی یک راهب نصرانی - ورقه بن نوفل - است. اما این مطلب چگونه قابل قبول است؟ حال آنکه خداوند در سوره انعام درباره پیامبر فرموده است: ﴿قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي﴾ (انعام/۵۷) آیا در سخنان ورقه چه حجت روشنی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آرامش خاطر به آن محتاج باشد؟ و باز در سوره یوسف آمده است: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف/۱۰۸) از این آیه بصیرتی خدادادی برای رسول خدا و پیروان او معلوم می‌گردد، اما آیا اعتماد کردن به قول ورقه، عبارت از بصیرتی است که خدا وعده داده است؟ ... حق این است که نبوت و رسالت، ملازم با یقین و ایمان صددرصد شخص پیامبر و رسول است. او قبل از هر کس دیگر به نبوت خود از جانب خدای تعالی یقین دارد و باید هم چنین باشد؛ چنانکه روایات وارده از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) هم همین را می‌گویند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰، ۳۲۹)

از دیدگاه نکنونام نیز اگر چه ظاهر این روایات دلالت دارد بر این که سوره علق در همان آغاز نبوت بر رسول خدا نازل شده است، اما به نظر می‌رسد در این روایات، بر اثر نقل به معنا، میان سخن جبرئیل خطاب به پیامبر اسلام و آغاز سوره‌ی علق خلط شده است و حقیقت امر آن است که اساساً آغاز سوره علق هرگز ناظر به آغاز وحی نیست؛ چون این سوره دفعی‌النزول بوده و در آن، قرائن متعددی وجود دارد مبنی بر این که پیامبر اکرم قبل از نزول این سوره به پیامبری مبعوث بوده است؛ بلکه ناظر به اقامه نماز از سوی پیامبر اسلام، علی‌رغم ممانعتی بوده است که سران قریش، به

ویژه ابوجهل از نمازگزاری آن حضرت به عمل می‌آوردند. بنابراین، باید گفت: واقعیت امر این است که در روایت عبید، به پیامبر دستور داده شده است که سوره حمد را از روی نوشته بخواند و آن حضرت به دلیل امی بودن قادر به خواندن آن نبوده است؛ لذا فرموده است که من نمی‌توانم آن را بخوانم و البته، پس از به هم فشردنی که از سوی جبرئیل (علیه‌السلام) صورت گرفته، توانسته است آن نوشته را بخواند. پس سوره حمد را جبرئیل بر پیامبر اکرم نخوانده است؛ بر خلاف بقیه سوره‌های قرآن که از سوی آن فرشته بر آن حضرت قرائت شده است. نتیجه بحث آنکه نزول پنج آیه نخست سوره علق در آغاز بعثت پیامبر مقبول به نظر نمی‌رسد و از جمع‌بندی آیات و روایات چنین بر می‌آید که به طور مطلق اولین آیات نازل، سوره حمد بوده است. (نکونام، ۱۳۸۰: ۲۸۳) وی می‌نویسد: اولاً از ظاهر آیات سوره علق بر نمی‌آید که مفعول «قرأ» خود آن آیات سوره علق باشد. بنابراین، انتخاب این پنج آیه به عنوان نخستین آیات نازل شده، با ظاهر آیات سوره علق موافق نیست. ظاهر این آیات نشان می‌دهد که چیزی خواندنی قبل از نزول این آیات نزد پیامبر بوده است و گرنه چنین خطابی بی‌معنا بود. ثانیاً صدر آیه ششم سوره علق با لفظ کلاً شروع شده است که برای ابتدای کلام صلاحیت ندارد. بنابراین به این جهت نیز پنج آیه نخست سوره علق نمی‌تواند نزول مستقلی را تشکیل دهد و اولین آیات نازل شده بر رسول خدا باشد. (نکونام، ۱۳۸۰: ۲۷۳-۲۷۴) حاصل اینکه پیامبر، قبل از نزول سوره علق نماز برپا می‌داشته و حتی به رسالت نیز مبعوث بوده است. نکته قابل تامل این است که کسانی که بر این باورند نخستین آیات نازل شده، آیات صدر سوره علق می‌باشد، فقط به نقل حدیث و روایت اکتفا کرده‌اند و هیچ‌گونه دلیل عقلی یا اجتهادی و تحلیلی برای مدعای خود ذکر نکرده‌اند، در حالی که برای رد این مدعا دلایل عقلی وجود دارد؛ چرا که بعثت پیامبر حقیقتی است که خداوند آن را با پیامبران گذشته مطرح کرده و از آنان جهت تصدیق او و یاری رساندن به آن حضرت پیمان گرفته بود، (آل عمران/ ۸۰) نشانه‌های رسول خدا نیز در تورات و انجیل مکتوب بوده است (بقره/ ۱۴۶؛ انعام/ ۲۰) علاوه بر این، حضرت علی (علیه السلام)، درباره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «خداوند بزرگ‌ترین فرشته خود را از خردسالی همدم و همراه او ساخت. این فرشته در تمام لحظات با آن حضرت بود و او را به راه‌های بزرگواری و اخلاق پسندیده رهبری می‌کرد ... من با او بودم و کس دیگری غیر از من با او نبود. در آن زمان جز رسول خدا و خدیجه و من که سومین نفر آنها بودم، مسلمان

دیگری نبود. من نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم، آنگاه که نخستین وحی بر پیامبر نازل گشت، ناله و فریادی شنیدم. از آن حضرت پرسیدم که این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است که از پرستش خود مأیوس گشته است. (شریف رضی، ۱۳۸۶: ۲۰۹) با این دلایل آیا ممکن است که رسول خدا قبل از بعثت، نسبت به وضعیت خود ناآشنا بوده و از برانگیخته شدن دچار اضطراب و تردید شود؟ در حالی که طبق نص صریح قرآن، خداوند به هنگام بعثت حضرت موسی هرگونه خوف و ترسی را از وی زایل ساخت. (نمل/۱۰) بنابراین، چگونه ممکن است که اضطراب را از پیامبر خود زایل نکند؟ این نکته‌ای است که برخی از روایات نیز بر آن تأکید کرده‌اند. از جمله زراره از امام صادق (علیه السلام) سوال کرد: «چگونه رسول خدا مطمئن گردید که آنچه به او رسیده، وحی الهی است، نه وسوسه‌های شیطانی؟ امام در پاسخ فرمود: هرگاه خداوند بنده‌ای را به رسالت انتخاب کند، آرامش و وقاری به او عطا می‌کند، به صورتی که آنچه از جانب حق به او می‌رسد، همانند چیزی خواهد بود که وی به چشم خود آن را ببیند.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸، ۳۶۲)

۲- نظریه نزول سوره حمد در طلوعه بعثت

۲-۱- روایات شیعه

حویزی می‌گوید: در عیون الاخبار الرضا آمده است که یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار، که هر دو از اصحاب امام هادی (علیه السلام) بودند، هر یک از پدرشان حدیث نقل کرده‌اند که امام هادی (علیه السلام) از پدرانش نقل کرده که امام علی (علیه السلام) فرمود: «وقتی خدای عز و جل، پیامبر ما را مبعوث کرد، فرمود: ای محمد! ... بگو: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.» (حویزی، ۱۴۱۵: ۱، ۱۹) طبرسی به نقل از سعید بن مسیب از امیر المؤمنین (علیه السلام) آورده است که فرمود: «از پیغمبر درباره ثواب قرائت قرآن سؤال نمودم، سپس آن حضرت ثواب هر سوره را بیان فرمود، به ترتیب نزول سوره‌ها. پس اولین سوره‌ای را که در مکه نازل شده است، سوره «فاتحه» برشمرد. سپس ﴿أَفْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ و آنگاه سوره ﴿ن وَالْقَلَمِ﴾.» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۰، ۴۰۵)

۲-۲- روایات اهل سنت

طرفداران این دیدگاه از اهل سنت، به روایتی اشاره کرده‌اند که ابومیسرة عمرو بن

شرحییل نقل می‌کند: «رسول خدا به خدیجه فرمود: چون خلوت می‌گزینم و تنها می‌شوم، آوایی می‌شنوم. به خدا برخود می‌ترسم که این کاری شود. خدیجه گفت: معاذ الله! خدا بر تو بد نخواهد خواست. همانا که تو امانت می‌گزاری و صلّه رحم به جا می‌آوری، سخن به راست می‌گویی. چون ابوبکر درآمد، خدیجه آن سخن را به او باز گفت و فرمود: یا محمد، نزد ورقه برو. پس رفتند. پیامبر گفت: چون به تنهایی خلوت می‌کنم، ندایی از پشت سر می‌شنوم که ای محمد، ای محمد، پس مرا هراسی فرا می‌گیرد که می‌خواهم بگریزم و بر جای نمانم. ورقه گفت: چنین نکن این بار که تو را برخواند، هم بر جای می‌باش تا آنچه می‌گویدی، بشنوی. سپس نزد من بیا و مرا آگاه کن. پس چون رسول خدا خلوت گزید، فرشته او را ندا کرد که ای محمد، بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... وَ لَا الضَّالِّينَ﴾. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۲۰۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱، ۲۴؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۵، ۵۱۴)

حجتی به نقل از واحدی در اسباب النزول درباره ابتدای بعثت چنین آورده است: «گاه که پیغمبر با خود خلوتی داشت، ندایی از آسمان می‌شنید که موجب هراس وی می‌شد و در آخرین بار فرشته او را ندا داد: یا محمد، گفت: لَبَّيْكَ. گفت: بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... وَ لَا الضَّالِّينَ﴾» (حجتی، ۱۳۷۷: ۱۱) ضحاک می‌گوید: ابن عباس گفت: «جبرئیل به محمد گفت: ای محمد، بگو: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ عبدالله بن عباس گفت: آن نخستین سوره‌ای بود که خدا آن را به زبان جبرئیل بر محمد نازل کرد.» (طبری، ۱۴۲۰: ۱، ۸۹)

۲-۳- نقد و بررسی روایات مربوط به این دیدگاه

دکتر رامیار درباره حدیث ابومیسرة عمرو بن شرحبیل می‌نویسد: «این حدیث نمی‌رساند که نخستین آیه نازل شده سوره فاتحه باشد. بلکه چنین فهمیده می‌شود که نزول فاتحه پس از نزول وحی جلی در غار حراء بوده است و بعد از آنکه پیامبر نزد ورقه بن نوفل می‌رود و بعد از آن بوده که آوایی از پشت سر می‌شنیده و بعد از سخن و اشاره ورقه بوده که به این آوا گوش بدهد.» (رامیار، ۱۳۴۶: ۵۶۲) وی درباره سند این حدیث نیز می‌گوید: «این حدیث مرسل است و در سندش نام صحابی که آن را باز گفته باشد، یافت نمی‌شود.» (رامیار، ۱۳۴۶: ۵۶۲) البته همان‌طور که در بالا اشاره رفت، بررسی سندی و متنی این احادیث نشان می‌دهد که این احادیث هم از نظر متن و هم از نظر سند ضعیف می‌باشند و به ویژه قرآن کریم - که مهم‌ترین ملاک در سنجش روایات

است - محتوای بسیاری از این روایات را رد می‌کند. به هر صورت، سوره حمد را نخستین سوره‌ای دانسته‌اند که یکباره نازل شده است. برخی هم گفته‌اند که این سوره یکبار در مکه و بار دیگر در مدینه نازل شده است. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۲۹)

در این باره آیت‌الله معرفت بعد از ذکر چند روایت دربارهٔ سورهٔ فاتحة الكتاب، نظر خود را این‌گونه اعلام می‌دارد: «نزول سه یا پنج آیه از اول سوره علق به طور قطع با آغاز بعثت مقارن بوده است و این مسأله مورد اتفاق نظر است. سپس چند آیه از ابتدای سوره مدثر نازل شده است، ولی اولین سوره کامل که بر پیغمبر نازل گردیده، سوره حمد است. چند آیه از سوره علق یا سوره مدثر در آغاز، عنوان سوره نداشته و با نزول بقیه آیه‌های سوره این عنوان را یافته است؛ لذا اشکالی ندارد که بگوییم اولین سوره، سوره حمد است و به نام فاتحة الكتاب خوانده می‌شود. پس اگر ترتیب نزول سوره‌ها را از نظر ابتدای سوره‌ها در نظر بگیریم، اولین سوره، علق و پنجمین سوره، حمد است. و اگر سوره کامل را ملاک بدانیم، اولین سوره کامل سوره حمد است.» (معرفت، ۱۳۸۷: ۶۶)

اما به نظر آقای نکونام، بر اساس روایات ترتیب نزول و غیر ترتیب نزول، سوره علق، نخستین سوره نازل شده بر پیامبر اسلام معرفی شده است؛ اما ظاهر آیات آن از جمله، آیه نخست این سوره خود حاکی از این است که قبل از نزول این سوره، وحیی به آن حضرت نازل شده است؛ چون در این آیه به آن حضرت فرمان داده شده است که آن وحی را بخواند و آن وحی با توجه به قرائن متعدد چیزی جز سوره حمد نمی‌تواند باشد. توضیح این مطلب این است که مفعول کلمه «اقرأ» به احتمال قوی، «الصلاة» بوده - و باتوجه به سیاق - در سوره علق به پیامبر اسلام دستور داده شده است که از تهدیدها و آزارهای مشرکان بپیم به خود راه ندهد و نماز را بسان گذشته بر پا دارد. مؤیدات این احتمال عبارت است از این که اولاً ظاهر آیات سوره علق آن را تأیید می‌کند؛ زیرا ظاهر آیات این سوره حکم می‌کند به این که مفعول «اقرأ» چیزی غیر از آیات آن است؛ چون معنا ندارد در حالی که هیچ چیز خواندنی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیست، به او فرمان داده شود: «بخوان!» ثانیاً آغاز سوره علق نظیر آغاز سوره «مُرْمِل» است. در آیات آغاز این سوره نیز با فرمان «بخوان!»، دستور به برپایی نماز داده شده است. ثالثاً در آیات (۱۹-۹) سوره «علق» سخن از کسی رفته است که پیامبر را از نماز باز می‌داشته و رسالت او را دروغ می‌شمرده است. در این حال خداوند او را بیم می‌دهد که اگر از این کار باز نایستد، خوارش می‌سازد و به آن حضرت می‌فرماید که از او فرمان

میر. از این آیات چنین حاصل می‌شود که پیامبر قبل از نزول سوره «علق» نماز بر پا می‌داشته و حتی به رسالت مبعوث بوده است.» (نکونام، ۱۳۸۰: ۲۷۵)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، روایت ضحاک از ابن عباس و نیز روایت امام هادی از امام علی (علیهما السلام) به صراحت، سوره حمد را نخستین سوره نازل شده می‌شمارند. همچنین، به گواهی روایاتی دیگر، در روز نخست بعثت، جبرئیل به پیامبر وضو و نماز را آموخت و آن حضرت در همان روز نماز گزارد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۰۴: ۱۳، ۲۲۹) و هیچ روایتی دال بر اینکه آن حضرت زمانی را در دوره نبوتش، نماز بدون سوره فاتحه گزارده باشد، به ما نرسیده و بعید است که پیامبر مدتی نماز بدون سوره فاتحه گزارده باشند، ولی هیچ روایتی درباره آن به ما نرسد.

بر اساس روایت شرحبیل، پیامبر اولین ندای وحی را شنید که می‌گفت: «یا محمد، قل: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ حتی بلغ ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱، ۳۲) اولین ندای وحی به حضرت گفت: سوره حمد را تا ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ بخوان. نکته‌ای که این دیدگاه را تأیید می‌کند، روایتی از جلال‌الدین سیوطی است؛ وی می‌گوید: هرگز نبوده است که نماز در اسلام بدون فاتحه الکتاب باشد. (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱، ۱۲) لذا، رسول الله و همراهان وی از آغاز بعثت نماز می‌خواندند و در اسلام نماز بدون فاتحه الکتاب، تشریح نشده است. بنابراین اولین سوره همین سوره می‌باشد و روایت «لا صلوة إلا ان یقرءها» هم این مطلب را تأیید می‌کند. (حر عاملی، بی تا: ۴، ۷۳۲)

۳- نظریه نزول آیات نخستین سوره مدثر در طلیعه بعثت

در صحیح مسلم و برخی منابع دیگر آمده است که گروهی نخستین سوره نازل شده را سوره مدثر می‌دانند و دلیل آنان روایت ابن سلمه است که گفت: «از جابر بن عبد الله انصاری سؤال کردم: کدامین سوره یا آیه قرآن برای نخستین بار نازل شده است؟ گفت: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾، گفتم: پس ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ چه؟ گفت: گفتاری که از پیغمبر اکرم شنیده‌ام، اکنون برای شما بازگو می‌کنم: شنیدم که فرمود: مدتی را در مجاورت کوه حراء گذرانیدم، در پایان که از کوه پایین آمدم و به میانه وادی رسیدم، ندایی شنیدم. به هر طرف نگریستم، کسی را ندیدم؛ سپس سر به آسمان بلند کردم، ناگهان او (جبرئیل) را دیدم. لرزشی مرا فرا گرفت. به خانه نزد خدیجه آمدم و خواستم مرا بیوشاند. آنگاه ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ (المدثر/ ۱ و ۲) نازل شد.» (مسلم، ۱۹۵۵: ۱، ۹۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۲۰۶؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱، ۲۴)

۳-۱. نقد و بررسی روایات مربوط به این دیدگاه

زرکشی و سیوطی در نقد این حدیث گفته‌اند که نزول فرشته در این مورد بار اول نبوده و قبلاً در غار حراء فرود آمده بود. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۲۰۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱، ۲۴) علاوه بر این، سخن از فترت وحی در میان بوده و چه بسا نخستین نزول پس از فترت باشد. علامه طباطبایی در تفسیر سوره مدثر می‌نویسد: «بعضی گفته‌اند این سوره، اولین سوره‌ای است که از قرآن نازل شده است؛ هر چند که خود آیاتش این قول را تکذیب می‌کند؛ چون می‌رساند رسول خدا قبل از این سوره، قرآن را بر مردم می‌خوانده و مردم تکذیبش می‌کردند و از آن اعراض می‌نمودند و نسبت سحر به آن می‌دادند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰، ۱۲۳) آیت‌الله معرفت نیز بعد از ذکر این روایت، نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند: «در متن حدیث هیچ‌گونه اشاره‌ای به این امر که نخستین سوره نازل شده این سوره باشد، نشده است و صرفاً استنباط جابر از این حدیث چنین بوده است. شاید این پیشامد پس از فترتی که کمی بعد از بعثت رخ داده بود، صورت گرفته باشد؛ زیرا پس از آغاز بعثت برای مدتی وحی منقطع گردید و دوباره آغاز شد.» (معرفت، ۱۳۸۷: ۴۴) دکتر رامیار نیز در این باره می‌گوید: «ممکن است مقصود، نزول یک سوره به تمامی بوده و شاید هم چنان که گفته‌اند، اجتهاد جابر چنین بوده و او در اجتهاد خود خطا کرده باشد. بدین ترتیب این قول ثابت نمی‌گردد.» (رامیار، ۱۳۴۶: ۵۶۱) شهید مطهری معتقد است تمام سوره مدثر مکی است و سیاق آیات هم نشان می‌دهد که مربوط به جریان‌هایی است که در مکه واقع شده است. آیات اول این سوره (تا هشت آیه) ظاهراً مسلم است که جزء اولین آیاتی است که بر رسول اکرم نازل شده است. ولی باقی آیات این دو سوره هیچ کدام جزء آن آیاتی که برای اولین بار یا دومین بار نازل شده، نیست. اینها بعد نازل شده است.» (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۰، ۱۱۷-۱۱۹) البته از این سخن شهید مطهری، این مطلب برداشت می‌شود که وی، این آیات را دقیقاً اولین آیات نازل شده نمی‌دانند بلکه به نظر وی این آیات جزء اولین آیات نازل شده می‌باشد.

۴- نظریه نزول ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ در طلیعه بعثت

طرفداران این نظریه به روایتی استدلال می‌کنند که واحدی در اسباب النزول نقل می‌کند که می‌گوید: «نخستین چیزی از قرآن که نازل شده ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ و اول سوره اقرأ بود.» (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۱، ۶)

۴-۱. نقد و بررسی روایات مربوط به این دیدگاه

طبری در جامع البیان روایتی از ابن عباس نقل می‌کند که مطابق آن در آغاز نزول جبرئیل استعاذه را به پیامبر آموخت، سپس گفت: بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و بعد از آن «اِقْرَأْ» را فرو خواند. (طبری، ۱۴۲۰: ۱، ۳۸) ولی ابن کثیر در تفسیرش این حدیث را ضعیف می‌شمارد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱، ۳۰) ولی طبری می‌گوید: «اصحاب ما اتفاق دارند که بسم‌له آیه‌ای است از سوره حمد و هر سوره‌ای...» (طبری، ۱۴۰۸: ۱، ۱۸۱)

دکتر رامیار در این باره می‌گوید: «این حدیث مرسل است. بسم‌له نیز در صدر هر سوره‌ای نازل می‌شد. البته اگر بسم‌له را آیه‌ای جدا و مستقل در هر سوره‌ای بدانیم، نخستین آیه‌ای که نازل شده علی‌الاطلاق، آن خواهد بود. ولی اگر آن را آیه مستقل هم نشماریم، به هر صورت نخستین کلمه نازله خواهد بود. بنابراین در این مورد می‌توانیم بگوییم که این آیه معمولاً در آغاز هر سوره‌ای جز سوره توبه قرار دارد که بر پیغمبر اکرم نازل گردیده است و در نتیجه نمی‌تواند نخستین آیه نازله بر پیامبر اکرم باشد.» (رامیار، ۱۳۴۶: ۵۶۲)

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی آیات و روایات و بررسی دلایل عقلی صاحب‌نظران در زمینه نخستین آیات نازله بر پیامبر موارد زیر را به عنوان رهاورد بحث تقدیم می‌کند:

۱- دلایل دانشمندان و مفسران اسلامی برای اثبات سوره حمد، آیات نخستین سوره مدثر یا پنج آیه نخستین سوره علق به عنوان اولین آیات نازل شده بر پیامبر، تنها نقل روایات و تاریخ می‌باشد و بیشتر بر دلایل عقلی استوار است.

۲- رسول الله و همراهان از آغاز بعثت نماز می‌خواندند و از آنجا که در اسلام، نماز بدون فاتحة الكتاب، یعنی «سوره حمد» تشریح نشده است، بنابراین نخستین آیات نازله، آیات «سوره حمد» باید باشد.

۳- در نخستین آیات نازله، شایسته است امهات تعالیم الهی، نظیر آنچه در سوره حمد است، بیان شود؛ لذا باید گفت نخستین آیات نازله به طور مطلق آیات سوره حمد بوده است.

۴- چنان که در روایات ذکر شد، سوره‌ای که در آغاز نبوت به پیامبر اسلام آموزش داده شد، از نوع قرائت جبرئیل بر آن حضرت نبود، بلکه جبرئیل نوشته‌ای را بر آن حضرت

عرضه کرد. پس نزول سوره «حمد»، از جنس قرآن به معنای خواندن جبرئیل بر آن حضرت نبوده است، بلکه از جنس کتاب به معنای نوشته‌ای بوده است که خود آن حضرت به کمک جبرئیل قادر به خواندن آن شده است. بنابراین پیامبر، سوره حمد را از روی نوشته‌ای خوانده است، بر خلاف سایر سوره‌های قرآن که توسط جبرئیل بر آن حضرت قرائت شده و آن حضرت، پس از قرائت او قادر به فراگیری آنها شده است. پس این دلیل که اولین آیات نازل به «إقرأ» شروع شده است، صحیح به نظر نمی‌رسد.

۵- چون در پنج آیه نخست سوره علق، جز فرمان «إقرأ» و اوصاف پروردگار، مطلب دیگری ملاحظه نمی‌شود، صلاحیت نخستین آیات نازل به بودن را ندارد و نمی‌تواند اولین واحد نزول قرآن کریم باشد. بر این اساس، نزول پنج آیه نخست سوره علق در آغاز بعثت پیامبر مقبول به نظر نمی‌رسد.

۶- درباره آیات نخستین سوره مدثر بر اساس روایات وارده باید گفت که این آیات، اولین وحی پس از دوره فترت می‌باشد.

۷- روایاتی که درباره آیه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به عنوان نخستین آیات نازله وارد شده است، مرسل و ضعیف می‌باشند و صلاحیت استناد را ندارند.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- ابن‌الندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۴۸: الفهرست، مصر: مطبعة الاستقامة.
- ۳- ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۲: عیون اخبار الرضا، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- ۴- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۵- ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۰۴: شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ۶- ابن‌هشام، عبدالملک، ۱۴۱۳: السیرة النبویة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۷- احمدی، حبیب‌الله، ۱۳۷۶: پژوهشی در علوم قرآن، تهران: فاطیما.
- ۸- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶: البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- ۹- بخاری، محمد بن اسماعیل، بی‌تا: الجامع الصحیح، ریاض: چاپ بیت الأفكار الدولیة.
- ۱۰- حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۷۷: اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن، بی‌تا: وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
- ۱۲- حلبی، علی‌اصغر، ۱۳۶۹: آشنایی با علوم قرآن، تهران: اساطیر.

- ۱۳- رادمنش، محمد، ۱۳۷۴: آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین.
- ۱۴- رامیار، محمود، ۱۳۴۶: تاریخ قرآن، تهران: نشر اندیشه.
- ۱۵- رکنی یزدی، محمدمهدی، بی تا: آشنایی با علوم قرآن، تهران: سمت.
- ۱۶- زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۱۰: البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: ابراهیم عبدالله کردی، بیروت: دار المعرفة.
- ۱۷- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۱۶: الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: سعید المندوب، بیروت: دار الفکر.
- ۱۸- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۶: نهج البلاغه، ترجمه: علی اصغر فقیهی، قم: آیین دانش.
- ۱۹- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷: المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸: مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، بی تا: تاریخ الامم و الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، بیروت: بی تا.
- ۲۲- _____، ۱۴۲۰: جامع البیان عن تأویل آی القرآن (تفسیر طبری)، بیروت: دارُ الکتب العلمیّه.
- ۲۳- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵: تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۲۴- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷: تفسیر قمی، قم: دار الکتاب.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۱: الکافی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ۲۶- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴: بحار الانوار، تصحیح: محمدتقی مصباح یزدی، بیروت: دار الوفاء.
- ۲۷- _____، ۱۳۸۴: حیاة القلوب، تحقیق: علی امامیان، قم: نشر سرور.
- ۲۸- مسلم بن حجاج نیشابوری، ابوالحسین، ۱۹۵۵: الجامع الصحیح، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: بی تا.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶: آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۰- معارف، مجید، ۱۳۸۳: در آمدی بر تاریخ قرآن، تهران: انتشارات نبا.
- ۳۱- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷: تاریخ قرآن، تهران: سمت.
- ۳۲- _____، ۱۳۸۸: التمهید، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- ۳۳- نکونام، جعفر، ۱۳۸۰: درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران: هستی نما.
- ۳۴- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱: اسباب النزول، بیروت: دار الکتب العالمیّه.